

ماموریت عیسی برای شاگردانش و همچنین کلیسا

عیسی پادشاه (فرمانروای) قلبهاست. فرمانروایی او به صورت نامرئی می باشد تا روزی که او دوباره با شکوه و جلال خدایی خود بازگردد تا زندگان و مردگان را داوری نماید و از آن هنگام برای شاگردانش و کلیسا، شکوه و جلال ابدی او آغاز می گردد. (= اعمال رسولان)

یهودیان منتظر پادشاهی بودند تا آنها را از دست رومیان رها ساخته و بر روم و دیگر سرزمینها فرمانروایی کند. خیلی از پیروانش می خواستند تا او را به عنوان پادشاه برگزینند ولی او آنها را از این کار باز داشت. (یوحنا ۶: ۱۵)

وقتی دیدند که عیسی برای پادشاهی این دنیا نیامده است از او نا امید شدند، به او کینه ورزیدند و او را به رومیان تحویل دیدند و بر روی صلیب بردند. فرمانروای روم پنطیاس پیلطوس بر روی صلیب دستور داد تا تابلویی نسب کنند و روی آن نوشتند: عیسی ناصری، پادشاه یهودیان.

(یوحنا ۱۸؛ ۳۷-۳۳) در برابر پادشاه روم از او پرسیده شد که آیا او پادشاه یهودیان میباشد، و او پاسخ داد: بلی، من پادشاه هستم (فرمانروا)، ولی فرمانروایی من برای يك سرزمین نیست بلکه به کل دنیا تعلق دارد. ولی در حال حاضر پادشاهی من ناپیداست و تنها با قلب می توان آن را درک کرد. وقتی که عیسی رستاخیز کرد فرمود (متی ۲۸؛ ۲۰-۱۸): قدرت تمام آسمانها و زمین از آن من است. او به شاگردانش این ماموریت را داد تا انسانها را به نام پدر، پسر و روح مقدس غسل دهند و کلام خدا را به آنها بیاموزند.

این تنها ماموریت مسیحیان در تمام زمانهاست و همینطور این بشارت را بدهند که عیسی دوباره خواهد آمد و پادشاهی او بالاتر از پادشاهی دیگران است و او سرور سروران است. (اول تیموتائوس ۱۶-۱۳)

این ماموریت کلیسای عیسی می باشد. کلیسا می بایست بر قلب انسانها به وسیله کلام خداوند اثر بگذارد. در راه کلیسا نباید هیچ جبر و اجباری باشد و همچنین کلیسا اجازه دخالت در حکومت دنیایی را ندارد.

درباره حکومت و ماموریت خدایی

حکومت يك سرزمین می بایست در برابر ناعدالتی و هرج و مرج و درد و رنج شهروندانش مسئول باشد و از آنها محافظت کند.

با خطای اول انسانها در دامن گناه افتادند و برای اینکه شر و بدی ظاهری انسانیت را از بین نبرد خداوند حکومت ها را بر انسانها مستقر کرد تا آنها را در برابر قتل، دزدی، صدمه های جسمانی، محافظت کند. حکومت ها باید برای عدالت و نظم جامعه کوشا باشند. آنها می بایست برای تك تك افراد جامعه تلاش کنند تا امنیت آنها حفظ شود. حفاظت در برابر خطراتی مانند جنگ و قانون شکنی از جمله اینهاست. برای حفظ نظم آنها می بایست قانون بنویسند و برای تبعیت مردم از این قانونها آنها اجازه دارند که اعمال زور کنند. و برای همین منظور هم حکومت دارای پلیس و ارتش و دادگاه هستند.

پولوس رسول می نویسد (رومان ۱۳؛ ۷-۱): هر شخص مطیع قدرتهای برتر (حکومت ها) بشود، زیرا که قدرتی جز از خدا نیست و آنهایی که هست از جانب خدا مرتب شده است. هر کس که با این قدرتها مقاومت کند در واقع در برابر نظم خداوند مقاومت می کند.

به نوشته پطرس (۱ پطرس ۲؛ ۱۳، ۱۴، ۱۷): هر منصب بشری را بخاطر خداوند اطاعت کنید، خواه پادشاه را که فوق همه است، و خواه حکام را که رسولان وی هستند، بجهت انتقام کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران. همه مردمان را احترام کنید. برادران را محبت نمایید. از خدا بترسید. پادشاه را احترام نمایید.

زندگی ظاهری و مادی انسانها میبایست از طریق دولتها اداره شود و مردم باید فرمانبردار دولت باشند. ولی بخاطر ایمان و از لحاظ روحانی ما میبایست تنها از خداوند اطاعت کنیم. و از لحاظ روحانی دولت اجازه دخالت در زندگی مردم را ندارد و ما نیز نباید تابع دولت باشیم. به فرموده عیسی (متی ۱۲:۲۲): هر چیز که به قیصر متعلق است را به او بده و هر چه که به خدا تعلق دارد را به او (خداوند). این مثالی برای پرداخت مالیات است. “

در زمان عیسی نیز دولت و حکومت حاکم بر روم و قیصر و پادشاه هیروُدس و حتی پیلاطوس که عیسی را محکوم کرد نیز از جانب خداوند بودند. و این را عیسی به روشنی تأیید کرد: (یوحنا ۱۹:۱۱) متاسفانه برخی اوقات حاکمان انسانهای گناه کاری می باشند. گاهی آنها برای برکت دادن و گاهی برای مجازات و امتحان ملت بر سر کار آمده اند. و این سر پنهان و غیر قابل فهم کار خداوندی می باشد. .

مسیحیان نه تنها باید از حاکمان نیک پیروی کنند، بلکه آنها موظف اند تا در برابر حکام بد نیز مطیع باشند. حتی حکومت های بد نیز که بر علیه مسیحیان نیز هستند، از هرج و مرج جلوگیری کرده و نظم را در جامعه برقرار می کنند و کشور را از دشمنان حفاظت می کنند. فرم های مختلف حکومتی چه دموکراسی یا دیکتاتوری و یا سلطنت و یا سلطه گر نیز می توانند خوب و یا بد عمل کنند. .

تنها مرز مطیع بودن و یا نبودن در برابر حکومت ها زمانبست که آنها در مسائل اعتقادی دخالت کرده و پیروی از امر خاصی را بخواهند و عملی بر خلاف فرمانهای خدا را دنبال کنند. برای این منظور پطرس رسول به ما یک پند مهم داده است (متی ۲۶:۵۳-۵۱): شمشیرت را غلاف کن، هر کس که شمشیر بکشد از طریق شمشیر خواهد مرد. حتی برای دفاع از عیسی و ایمان خودمان نیز ما نباید روی به خشونت بیاوریم.

ما موظف هستیم که برای دولت دعا کنیم حتی اگر رژیم بدی باشد. دعای ما برای بدی آنها نیست بلکه ما دعا میکنیم تا آنها نیز از بدی و نامقدسیت دست کشیده و قلبشان به سوی خدا شود. این برای شفاعت حاکمان نیز صادق است حتی اگر این امر به صراحت در کتاب اشاره نشده است. (۱ تیموتائوس ۲: ۱-۲):

پس از همه چیز اول، سفارش می کنم که صلوات و دعاها و مناجات و شکرها را برای جمیع مردم بجا آورند؛ بجهت پادشاهان و جمیع صاحبان منصب تا به آرامی و استراحت و با کمال دینداری و وقار، عمر خود را بسر ببریم. .

امروز در المان ما باید فرمانبردار چه کسی باشیم؟

ما باید تابع مجلس پارلمان و ادارات دولتی و دادگاههای قضایی حکومتی باشیم. یعنی طبق رومیان ۱۳؛ ۱: قوانین حاکم بر جامعه را رعایت کنید و تابع ادارات و حکم های قضایی دادگاه ها باشید. کسی که طبق قانون حکومتی و نظام در نظر گرفته شده جامعه و قوانین قضایی تصویب شده دادگاه ها عمل نکند مطیع و فرمانبردار لقب نمی گیرد. همچنین کسی که از راه خشونت سعی در براندازی حکومت کند نیز مطیع نمی

باشد.

اینکه انسان يك قانون را براي عملي سختگیرانه در نظر بگیرد دليل بر این نیست که او این قانون را رعایت نکند. ولي وقتي که این قوانین بر علیه قوانین خداوند باشند مانند قانون سقط جنین، در این صورت من باید موضع خود را در برابر ان مشخص کنم و اجازه دارم که خود این قانون را رعایت نکنم. ولي در این جامعه خدا را شکر قانوني وجود ندارد که مرا مجبور کند از راه خداوند خارج شوم و علیه خواست او عمل کنم.

دولتها از طرف خداوند مسؤول حفظ جان مادي ملتها و همچنین برقراري نظم و قانون مي باشند و این کار را با قوانین و مجازات ها و گاهي با ابرار خشونت انجام مي دهند. ما براي این منظور مدیون هستیم که مطیع آنها باشیم تا جایی که آنها کاري علیه خواست خدا انجام ندهند.

حاکمیت خداوند بر این دنیاست و انسانها در به دو صورت است:

- ۱- از طریق حکومت ها و براي حفظ جان مادي ملت
- ۲- از طریق کلیساي خود براي نگهدار از ایمان و قلب هاي انسانها تا آنها به حیات جاودان برسند.